

Research Paper

Application of the Theory of Textual Cohesion in Surah Al-Mutaffifin and Its Semantic Implications

Mansour Homeirani ^{*1} , Ebrahim Zare'ifar² 

¹ M.A, Qur'an and Tradition Sciences, PNU, Fasa, Iran

² Theology and Islamic Studies Department, Islamic Azad University, Fasa, Iran



10.22080/qhs.2025.5872

Received:

May 2, 2025

Accepted:

July 5, 2025

Available online:

September 10, 2025

Extended Abstract

1. Introduction

Studying the Qur'an through the lens of text linguistics is a modern approach that focuses on analyzing the internal relations and mechanisms of cohesion and semantic connectivity within the divine text. According to the theory of textual cohesion proposed by Halliday and Hasan, a text becomes meaningful only when its linguistic elements are logically and conceptually linked. This theory explains how a text maintains unity of meaning through cohesive devices such as repetition, reference, contrast, and conjunctions. The Qur'an, as a miraculous text, exhibits the highest level of cohesion, with each surah

organized according to a purposeful and meaning-oriented structure. *Surah al-Mutaffifin* is a striking example of such cohesion. By addressing the moral and social problem of fraud in measurement and linking it to the denial of the Day of Judgment, the surah forms a unified and educative structure. Analyzing its cohesion reveals the intricate network of semantic relations between the verses and highlights how the Qur'anic language serves its divine and ethical message.

2. Methods

This study adopts a descriptive-analytical approach grounded in the theory of textual cohesion to examine the cohesive mechanisms in *Surah al-Mutaffifin*. The cohesive elements of the surah were first

*Corresponding Author: Mansour Homeirani

Address: PNU, Fasa, Iran.

Email: mansorhomirany@gmail.com

identified and categorized, and then their roles in creating semantic unity and strengthening the discourse structure were analyzed. The data were collected through close reading of the surah, identifying instances of word repetition, semantic links, oppositions, and hierarchical relations, and then analyzed semantically to clarify how the surah's discourse is organized at both the linguistic and conceptual levels.

3. Results

The analysis of *Surah al-Mutaffifin* shows that its semantic cohesion is systematically and purposefully formed through a network of cohesive elements. The most significant ones include:

a. Repetition:

Repetition is the most prominent cohesive device in this surah. Words such as *wayl*, *yawm*, *dīn*, *kitāb*, *fujjār*, *'illiyyīn*, and *sijjīn* appear repeatedly, either explicitly or implicitly, forming the conceptual core of the discourse. Repetition here not only serves an emphatic function but also establishes mental connections between verses and reinforces the continuous message of the surah. Especially, the repeated mention of *Yawm al-Dīn* creates a circular structure that engrains the central theme—belief in the Day of Judgment—into the reader's mind.

b. Semantic Inclusion:

Lexical items related to reward and punishment are arranged hierarchically. Concepts such as *Mutaffifīn*, *Na'īm*, and *Tanāfus* fall under the broader notions of *recompense* and *the Day of Judgment*. This inclusion ensures conceptual cohesion among the surah's sections and gradually guides the semantic progression from warning the *Mutaffifīn* to promising bliss for the *Abrār*.

c. Semantic Opposition:

One of the most prominent features of this surah is the contrast between the *Fujjār* (wicked) and the *Abrār* (righteous). This opposition shapes the surah's dual structure, leading the audience from moral warning to theological reflection. Antithetical word pairs create a dynamic interplay that strengthens the cohesive flow between the surah's two halves.

d. Conjunctive Elements:

Conjunctions and linking expressions are skillfully employed to establish logical relations between verses. Words and particles such as *alā*, *wa mā adrāka*, and *hal* serve specific roles in connecting sections and facilitating the gradual transition from divine warning against the *Fujjār* to the glorification of the *Abrār*. Overall, the findings indicate that the surah's structure is based on precise internal cohesion. The interrelation between words and stylistic forms leads the reader on a gradual journey—from denial to belief, and from moral corruption to faith and righteous action.

4. Conclusion

The cohesive analysis of *Surah al-Mutaffifin* reveals that the Qur'an, beyond its rhetorical and linguistic miracle, possesses a deeply organized and purposeful structure. Repetition emerges as the key cohesive element that, by reactivating core words and concepts, maintains the continuity and vitality of the surah's message. Moreover, the hierarchical and oppositional relations between concepts such as *Fujjār* and *Abrār* provide both ethical and theological coherence to the surah. The central axis of this cohesion is belief in the *Day of Judgment*, presented as the foundation of moral and social reform. Thus, the surah's cohesion reflects a divine semantic order in which the Qur'anic language functions as a network of meaning-

driven signs guiding the reader toward understanding the divine message.

References

- Ibn 'Āshūr, Muhammad (1984). *Al-Tahrīr wa al-Tanwīr*. Tunis: Dār al-Tūnisiyya.
- Bahrampour, Shabān 'Alī. (2000). *An Introduction to Discourse Analysis*. Tehran: Farhang-e Gofman Publications.
- Shaeiri, Hamidreza. (2006). *A Semio-semantic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT Publications.
- Hassan, Tammam. (1993). *Al-Bayān fī Rawā'ī 'al-Qur'ān: A Linguistic and Stylistic Study of the Qur'anic Text*. Cairo: 'Ālam al-Kitāb.
- Abdul-Majīd, Jalīl. (1998). *Al-Badī' bayna al-Balāghah al-'Arabiyyah wa al-Lisāniyyāt al-Naṣṣiyyah*. Cairo: Al-Hay'ah al-Miṣriyyah.
- Shibl, Muhammad 'Izzah. (2009). *Ilm Lughah al-Naṣṣ: Theory and Application*. Cairo: Maktabat al-Ādāb.
- Maslouh, Saad. (1990). *From Sentence Grammar to Text Grammar*. Kuwait: Najm 'Abdu Badawi.
- Qafī, Ṣubḥī Ibrāhīm. (2000). *Text Linguistics between Theory and Practice: A Comparative Study of the Meccan Surahs*. Cairo: Dār Qibā'.

علمی

کاربست نظریه انسجام متن در سوره مطفین و دلالت‌های معناشناختی آن

منصور حمیرانی^{*۱}، ابراهیم زارعی‌فر^۲^۱ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، فسا، شیراز، mansorhomirany@gmail.com^۲ دکترا، زبان و ادبیات عرب، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران، ایمیل: Ebrahim.Zareifar@iaui.ac.ir

10.22080/qhs.2025.5872

چکیده

یکی از رویکردهای نوین در مطالعات زبان‌شناسی متن، نظریه انسجام‌متنی است. این نظریه بر این مبناست که یک متن زمانی معنا دارد که عناصر آن به‌طور منطقی با یکدیگر مرتبط شوند و انسجام معنایی تولید کنند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی و با تکیه بر نظریه انسجام متنی، به بررسی سازوکارهای انسجام در سوره مطفین می‌پردازد. هدف اصلی، تحلیل نحوه به‌کارگیری عناصر انسجامی (تکرار، شمول معنایی، تقابل معنایی و عوامل پیوندی) در ساختار گفتمان سوره و استخراج دلالت‌های معناشناختی نهفته در پیوندهای متنی آن است. در این سوره، معضل کم‌فروشی به‌عنوان نتیجه‌ای از انکار روز حسابرسی معرفی شده و ساختار سوره به‌گونه‌ای طراحی شده است که بر ارزشمندی باور به‌روز حسابرسی تأکید می‌کند. تمرکز بر عناصر مهم انسجام در سوره نشان می‌دهد که تکرار به‌عنوان پرکاربردترین عنصر، نقش اساسی در انسجام‌بخشی به سوره دارد. تکرار واژه‌ها و عبارات کلیدی، با توجه به اهمیت گفتمان سوره، در جهت هشدار به کنشگران اجتماعی و یادآوری مستمر پیام سوره به‌کار رفته و ساختاری یکپارچه و معنامحور را رقم زده است.

تاریخ دریافت:

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار:

۱۹ شهریور ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

مطفین، انسجام، تکرار، تقابل معنایی، شمول معنایی.

^{*} نویسنده مسئول: منصور حمیرانی

آدرس: دانشگاه پیام نور، فسا، شیراز.

ایمیل: mansorhomirany@gmail.com

۱ مقدمه و بیان مسئله

انسجام زبانی مفهومی زبان‌شناختی است که به پیوستگی در متن اشاره دارد و نقش اساسی در درک معنا و انتقال مؤثر پیام ایفا می‌کند. این ویژگی از طریق ایجاد ارتباط منطقی میان بخش‌های متن، فهم کلی آن را تسهیل می‌نماید. در متون دینی، به‌ویژه قرآن، انسجام زبانی در بالاترین سطح خود مشاهده می‌شود و به شفافیت و کارآمدی انتقال پیام الهی کمک می‌کند (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۰؛ مصلوح سعد، ۱۹۹۰، ص ۱۵۴). زبان‌شناسی متن^۱ شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه متن‌ها و نحوه ساختار و معنای آن می‌پردازد. این شاخه به بررسی چگونگی استفاده از زبان در متون مختلف، نحوه ترکیب و پیوند جملات برای ایجاد یک ساختار معنادار و تحلیل عوامل گوناگون زبانی که به درک بهتر متن کمک می‌کنند، می‌پردازد (ر.ک؛ القفی، ۲۰۰۰، ص ۶۳). یکی از رویکردهای نوین در حوزه زبان‌شناسی متن، تحلیل گفتمان است که به بررسی ساختار و معنای فراتر از سطح جمله می‌پردازد. تحلیل گفتمان با تکیه بر مفاهیمی چون انسجام و انسجام‌بخشی، تلاش دارد روابط معنایی و نحوی میان اجزای متن را در بافت کلان آن آشکار سازد. از آن‌جا که انسجام یکی از مؤلفه‌های اساسی در زبان‌شناسی متن محسوب می‌شود، نظریه انسجام به‌عنوان یکی از ابزارهای بنیادین تحلیل گفتمان شناخته می‌شود. این نظریه با تمرکز بر پیوستگی معنایی و صوری در متن، امکان تحلیل دقیق‌تری از میزان انسجام در سوره‌های قرآن کریم و نیز ترجمه‌های آن‌ها را فراهم می‌سازد. (آمرایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰)

بافت به عنوان مبنای اصلی ساخت کلام نقش کلیدی در فهم مقصود گوینده دارد. منظور از بافت در زبان‌شناسی ذیل مبحث معنی‌شناسی کاربردی، فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود که منظور آن «شبکه روابطی است که میان صورت

(دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنی خارجی زبان را تشکیل می‌دهد» در بافت موقعیت یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیتی خاص که تولید شده است بررسی می‌شود (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۴). عنصر بافت به عنوان یکی از عناصر و موقعیت‌هایی که نقش اولیه در مبحث انسجام متن و به‌ویژه سوره‌های قرآن دارد، عنصر بافت است. بافت دو گونه است؛ یکی بافت متنی و دیگری بافت موقعیت. بافت متنی شامل عوامل درونی متن و بافت موقعیت شامل عوامل برون متن مانند بافت اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و موقعیتی است (لطفی‌پور، ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۰). در جریان تحلیل و بررسی بافت موقعیتی، برخی از پژوهشگران بر این باورند: «گفتمان بر اساس پیشینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد و از قابلیت‌های زبانی و شرایط زمانی و مکانی تأثیر می‌پذیرد، به‌طوری‌که فرایند گفتمان همواره تحت تأثیر این عوامل قرار دارد» (شعیری، ۱۳۸۵، ص ۱۵). پس، در تحلیل متن و گفتمان قرآن، درک درست از بافت موقعیتی نقش اساسی در فهم مقاصد و لایه‌های معنایی دارد؛ چرا که بسیاری از مفاهیم قرآنی در نسبت با شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی نزول آیات معنا پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، بافت متنی با ایجاد پیوندهای درون‌متنی، به انسجام ساختار سوره کمک کرده و مسیر دریافت معنا را برای مخاطب هموار می‌سازد.

در نگاه نخست، سوره مطففین به‌سبب تنوع موضوعی، فاقد انسجام ظاهری به‌نظر می‌رسد؛ اما به‌کارگیری نظریه انسجام نشان می‌دهد که این تنوع، در پرتو پیوندهای پنهان زبانی و معنایی، ساختاری منسجم و هدفمند دارد. تحلیل انسجام در سوره، روابط معناشناختی درونی آن را آشکار کرده و فهمی یکپارچه از گفتمان سوره و شیوه سازمان‌دهی خاص آن در قرآن ارائه می‌دهد.

براین اساس، این پژوهش ضمن پایبندی به این رویکرد زبان‌شناختی و باتکیه‌بر روش توصیفی -

¹ Text linguistics

شمول معنایی واژگان و دلالت‌های معناشناختی آن‌ها توجه کافی نشده و این جنبه‌ها همچنان نیازمند تحلیل دقیق‌تری در چارچوب نظریه انسجام هستند

این پژوهش با تمرکز بر کاربست نظریه انسجام در سوره مطفغین، رویکردی نوآورانه ارائه می‌دهد. در آن، عناصر کلیدی انسجام مانند تکرار، شمول و تقابل معنایی و عوامل پیوندی در چارچوب گفتمان سوره و محور معنایی آن تحلیل شده‌اند. همچنین، فراتر از شناسایی عناصر انسجامی، دلالت‌های معناشناختی آن‌ها تبیین گردیده است؛ بدین‌ترتیب، این پژوهش در مقایسه با مطالعات پیشین بیشتر بلاغی یا ساختاری، تحلیلی عمیق‌تر و گفتمانی از سوره عرضه می‌کند.

۲ گفتمان سوره مطفغین

به مناسبت واژگان به‌کار رفته در آیه نخست، سوره با عنوان «مطفغین» نام‌گذاری شده است. این سوره، از منظر بافت بیرونی و بر پایه دیدگاه دانشمندان تفسیر و علوم قرآن سوره‌ای مکی است که بعد از سوره عنکبوت و پیش از سوره بقره نازل شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۴۲۴؛ ملاحویش، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۰۹) دیدگاه ارجح مفسران بر این است که این سوره، به‌عنوان واپسین سوره‌ای که در مکه نازل شده، از نظر ترتیب نزول، هشتم و ششمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم (ص) فرود آمده است. (دروژه، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۵۰۷؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۳۰، ص ۱۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۶۸۴).

پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، مسلمانان در مکه تحت آزارهای نظام‌مند قریش، از جمله تحریم‌های اقتصادی و اجتماعی و فشارهای روانی قرار داشتند. این محدودیت‌ها زندگی مسلمانان را دشوار ساخته و بسیاری از آنان شکنجه و مصادره اموال را تجربه کردند، که ضرورت نزول آیاتی را ایجاد کرد که هم روحیه مسلمانان را تقویت می‌کرد و هم قریش را از پیامدهای رفتارشان هشدار می‌داد.

تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش ذیل است که چگونه عناصر انسجام واژگانی، معنایی و پیوندی در سوره مطفغین، با توجه به بافت موقعیتی و تاریخی نزول سوره، در شکل‌دهی به گفتمان و انتقال پیام عدالت و هشدار به کم‌فروشان نقش دارند؟

۱/۱ پیشینه پژوهش

پژوهش درباره انسجام متون، به‌ویژه متون قرآنی، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی پیرامون انسجام سوره‌های قرآن انجام شده است؛ بااین‌حال، تاکنون پژوهش مستقلی که به بررسی انسجام و کاربرد این نظریه در سوره مطفغین بپردازد، صورت نگرفته است. بااین‌وجود، می‌توان به پژوهش‌های کلی‌تر در این زمینه اشاره کرد:

۱- سید مجید نبوی و همکارانش (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی سبک شناسی سوره مطفغین بر اساس سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی» نویسندگان در این پژوهش، به تحلیل سطوح آوایی و موسیقایی متن، ساختارهای نحوی همچون تقدیم و تأخیر، و برخی عناصر بلاغی از جمله حصر و تقابل‌های معنایی پرداخته‌اند؛ اما مقوله انسجام در سطح واژگانی و موضوعی سوره، به‌ویژه بررسی پیوندهای درون‌متنی و روابط معناشناختی میان اجزای مختلف سوره، مورد توجه قرار گرفته است.

۲- احمد ربانی‌خواه و زهرا قربانی (۱۴۰۳) در مقاله «نظم و پیوستگی سوره مطفغین با نگاهی به مدل نیل رابینسون» به پیوستگی ساختاری سوره مطفغین با تکیه بر دیدگاه نیل رابینسون پرداخته‌اند. در این تحلیل، ارتباط میان بخش‌های مختلف سوره تبیین شده و به بهره‌گیری از صناعت‌هایی چون قلب و تقارن در ساختار سوره اشاره شده است. همچنین با استناد به مدل تحلیلی رابینسون، مکی بودن سوره مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، در این پژوهش به عناصر زبانی نظیر تکرار،

بازتابی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی مسلمانان مکه است. علاوه بر مطالب فوق، ساختار سوره نشان‌دهنده گفتمان تقابل میان ابرار و فجّار است. این گفتمان به‌طور مؤثر از بافت بیرونی سوره بهره می‌برد و بخش قابل‌توجهی از شرایط اجتماعی حاکم در زمان نزول سوره را منعکس می‌کند. بر اساس تحلیل‌ات موقعیتی و زبانی می‌توان نتیجه گرفت که ساختمان سوره مطففین از سه موضوع تشکیل می‌شود:

موضوع اول: تهدید و توبیخ کم‌فروشان در تجارت و بررسی ریشه‌های این معضل اجتماعی (آیات ۱ تا ۶).

موضوع دوم: گفتمان مقایسه و تقابل سرنوشت گروه فجّار و ابرار (۷ تا ۲۸).

موضوع سوم: رفتار اجتماعی مجرمان با مؤمنان در دنیا و پیامدهای آن در آخرت (۲۹ تا ۳۶).

بررسی ساختار سوره نشان می‌دهد جامعه مورد خطاب به‌سبب انکار روز حساب، دچار نابسامانی‌هایی چون کم‌فروشی و تضییع حقوق شده است. این رفتارها با تمسخر مؤمنان تداوم یافته و فضای اخلاقی جامعه را تضعیف کرده است. تحلیل ارتباط میان بخش‌های سوره بیانگر آن است که محور اصلی سوره بر همین معضل اجتماعی استوار است و گفتارهای دیگر در تبیین و ارزیابی آن سامان یافته‌اند. علاوه بر مطالب فوق، می‌توان دریافت که سوره مطففین از نظر موضوعی پیوند معنوی با سوره پیشین خود، یعنی سوره انفطار دارد. خداوند در سوره انفطار به شکل فشرده در مورد گروه ابرار و فجّار می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» سپس در سوره مطففین به‌صورت گسترده به یکی از رفتارها و کنش اجتماعی منفی فجّار می‌پردازد. سوره انفطار با تمرکز بر روی محور «دروغ پنداشتن روز جزا» به پایان می‌رسد و سوره مطففین همین مطلب را پیگیری نموده و با بیان بارزترین مصداق از آن در روابط اقتصادی، سوره

(ر.ک؛ ابن هشام، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۹۶؛ صلابی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۹۶) گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مشرکان و نخبگان مکه در اوج قدرت سیاسی و اجتماعی خود، به هر شیوه‌ای برای مقابله با اسلام و آزار مسلمانان متوسل می‌شدند. آنان با تصور پایداری موقعیت خود، مسئولیت الهی را نپذیرفته و حقوق انسانی را نادیده می‌گرفتند. رفتارهای ناهنجار آنان در حوزه تجارت و تعاملات اجتماعی، از جمله کم‌فروشی و آزار مسلمانان، ریشه در بی‌اعتقادی به رستاخیز داشت. سوره مطففین با اشاره به این کنش‌های منفی، علت اصلی آن را بی‌توجهی به معاد و پیامدهای آن معرفی می‌کند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی و گفتمان آیات قرآن (اعراف ۸۵ و هود ۸۵)، کم‌فروشی نه‌تنها یک معضل اقتصادی، بلکه پدیده‌ای با پیامدهای گسترده اجتماعی است که می‌تواند هنجارهای اخلاقی و روانی جامعه را تضعیف کرده، شکاف طبقاتی را افزایش داده و به نفع گروه‌های قدرتمند و به زیان اقشار ضعیف تمام شود. بقای جامعه انسانی وابسته به رعایت حقوق متقابل است و گسترش این رفتار به نابسامانی اجتماعی می‌انجامد. سوره مطففین در واکنش به این بحران با محکومیت شدید کم‌فروشان، گفتمان اخلاقی پیامبر(ص) را در زمینه عدالت و صداقت اقتصادی تقویت کرد و در جهت اصلاح رفتارهای اجتماعی و اقتصادی و تثبیت پایه‌های جامعه اسلامی در مدینه نقش مؤثری ایفا نمود. (ر.ک؛ حسنی همدانی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۸، ص ۴۰؛ رحمت الله عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۸-۷۹؛ دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵-۱۶۸)

در آیات پایانی سوره مطففین، رفتارهای مجرمانه چون تمسخر مؤمنان و نسبت دادن گمراهی به آنان، به‌عنوان نشانه‌هایی از فساد اجتماعی و کم‌فروشی معرفی می‌شود. در برابر، خداوند با توصیف جایگاه والای مؤمنان، آنان را به پایداری دلگرم می‌سازد و سرنوشت تلخ منکران رستاخیز را به‌سبب ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی بیان می‌کند. بررسی تاریخی و بافت نزول سوره نشان می‌دهد تکرار واژه «سجین»

را آغاز می‌نماید (الهرری الشافعی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۴)

با تأمل در آیات و تناظر ساختاری سوره مطفین، روشن می‌شود که این سوره با نظمی شبکه‌ای و پیوسته سازمان یافته است. تکرارها، الگوهای واژگانی و گفتاری، و عناصر استدلالی در بافتی حکیمانه، انسجام و تأثیر گفتمان سوره را تقویت کرده‌اند. در نتیجه، محور اصلی سوره یعنی عدالت به‌عنوان حقی فطری انسان برجسته می‌شود و بیان می‌گردد که نظام اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی، بنیاد عدالت اجتماعی را شکل می‌دهد. (ر.ک؛ دودمان کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۵)

۳ انسجام متنی

انسجام واژگانی متن در دو فضا قابل‌بررسی است:

فضای جمله: به ارتباط معنادار بین کلمات در یک جمله مشخص اشاره دارد. این انسجام معمولاً از طریق ترکیب صحیح اجزا و عناصر جمله و استفاده از واژگان ایجاد می‌شود.

فضای متن: در سطح متن، انسجام واژگانی به چگونگی پیوستگی و ارتباط معنادار واژگان در چند جمله یا پاراگراف اشاره دارد. کلماتی که در بین جهات مختلف در کل متن با هم ارتباط معنایی دارند، تحلیل می‌شوند. تحلیل روابط واژگان در این دو سطح، انسجام متن را نمایان می‌سازد.

نظریه انسجام متن را نخست هالیدی و حسن در سال ۱۹۷۹ در کتاب «انسجام در انگلیسی» پایه‌ریزی و معرفی کردند. سپس در سال ۱۹۸۶ رقیه حسن در مقاله‌ای با عنوان «پیوستگی و هماهنگی انسجامی» این نظریه را تکمیل کرد و یک سال بعد در اثری به‌صورت مشترک ارائه شد. انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان یک متن می‌داند (Halliday, M.A.K. & R. Hass, ۱۹۷۶، ص ۷۳) «هالیدی» و «رقیه حسن» انسجام را به روابط

معنایی و ساختار و بافت یک متن و ارتباط کلمات با یکدیگر از جهت ارتباط با قبل یا بعد از خود می‌پردازد و عوامل انسجامی، مجموعه‌ای از روابط نحوی و واژگانی است که یا جملات را به هم ارتباط می‌دهد یا بین اجزای یک جمله ارتباط برقرار می‌کند. انسجام به پیوندهای معنایی اشاره دارد که به متن یکپارچگی می‌بخشد و آن را از رشته‌ای از عبارت و جملات پراکنده و بی‌ارتباط متمایز می‌سازد (مهاجر و نبوی، ۱۴۰۲، ص ۶۳)

این دیدگاه که ابتدا برای تحلیل عوامل انسجام در زبان انگلیسی مطرح شد، قابلیت تعمیم به دیگر زبان‌ها را دارد، هرچند ابزارهای انسجام در آن‌ها متفاوت است. بر پایه اندیشه هلیدی و حسن، عوامل انسجام متنی و روابط میان جملات به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

الف) عوامل واژگانی: این دسته شامل تکرار، هم‌نشینی و حوزه‌های معنایی است.

ب) عوامل دستوری: شامل ارجاع، جایگزینی و حذف می‌شود.

ج) عوامل پیوندی: شامل حروف ربط و پیوند است (یاحقی و فلاحی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۱)

نگارنده در این پژوهش قصد دارد به تحلیل عناصر کلیدی انسجام بپردازد که نقش اساسی در تولید انسجام متنی در سوره مطفین دارند.

۴ انسجام متنی در سوره

مطفین

در این بخش، عوامل بنیادین انسجام در سوره مطفین بررسی می‌شوند؛ از جمله نام سوره به‌عنوان کلید فهم درون‌متنی، تکرار واژگان محوری و نقش برجسته واژه‌های «سَجِّین» و «کَلَّا». همچنین، شمول معنایی، تقابل‌های مفهومی و عناصر پیوندی به‌عنوان سازوکارهای انسجام‌بخش، پیوستگی و تداوم گفتمان قرآنی سوره را تقویت می‌کنند.

۴،۱ نام سوره

از دیدگاه انسجام متنی، نام سوره به عنوان یک واحد معنایی اولیه، نقش بسزایی در ایجاد پیوستگی و ارتباط میان اجزای متن دارد. خداوند به عنوان راوی این کتاب، نام سوره‌های قرآن را به گونه‌ای طراحی کرده است که با موضوعات سوره‌ها انسجام معنایی داشته باشد. این انسجام به مخاطب کمک می‌کند تا با داشتن این چهارچوب ذهنی، محتوای سوره را بهتر درک کند. براین اساس، در این بخش مناسب است که به معناشناسی نام سوره یعنی «مطففین» بپردازیم.

واژه «تطفیف» یک واژه عربی از بن ثنایی مشدد «طَفَّ» و مصدر باب تفعیل است. لغت‌شناسان برای ماده «تطفیف» چندین معنا ذکر کرده‌اند. در معنای اولیه حسی، این واژه به پیمانه‌ای که پر نباشد، یعنی محتوایش به کنارهای آن رسیده؛ اما مملو نشده است، اطلاق می‌گردد. این معنا نخستین بار توسط خلیل بن احمد که به عنوان نزدیک‌ترین زبان‌شناس به عصر نزول قرآن شناخته می‌شود، به شرح زیر آمده است: التَّطْفِيفُ: أَنْ يُوْخَذَ أَعْلَاهُ وَ لَا يُتَمَّ كَيْلُهُ (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۰۶) به تدریج، این واژه به دلیل اشاره به کنارها و قسمت‌های خالی پیمانه، به معنای کم و اندک بودن چیزی و نقص داشتن، گسترش یافت (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۴۰۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۲۷) این واژه نیز در برخی موارد به معنای جلوگیری و در تنگنا قراردادن چیزی به کار رفته و همچنین برای شتری که بچه‌اش پیش از تکمیل مراحل جنینی سقط می‌کند، نیز این واژه استعمال شده است. «أَطْلَقَتِ النَّاَقَةُ: أَلْقَتْ وَلَدَهَا لَغَيْرِ تَمَامٍ» (بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۳۶-۱۳۷) تمام مؤلفه‌های معنایی از مفهوم اولیه نقص داشتن و کمبود چیزی سرچشمه می‌گیرند.

با نظر داشت به معانی فوق، واژه «مطففین» از ریشه «طفف» با افزودن پیشوند «م» و پسوند «ین»

ساخته شده است که به معنای فاعلی به کسانی اشاره دارد که در وزن و پیمانه کم‌فروشی می‌کنند و مردم را در وضعیت اجتماعی و اقتصادی سخت و مضیق قرار می‌دهند، اطلاق می‌شود. در واقع کم-فروشی به نوعی محدودکردن حقوق دیگران و جلوگیری از دریافت حق کامل آن‌ها است. از ریشه این واژه تنها یک بار و آن هم در آیه نخست سوره مطففین به کار رفته است.

شواهد زبان‌شناختی نشان می‌دهد واژه «مطففین» افزون بر معنای اقتصادی پیمانه و وزن، دلالت‌های اخلاقی و اجتماعی چون محدودیت، محرومیت و فشار بر جامعه دارد. این واژه در حوزه علوم انسانی، مبنایی برای تحلیل رفتارهای ناعادلانه و پیامدهای فردی و اجتماعی آن فراهم می‌کند و از منظر زبان‌شناختی و روان‌شناختی، ابزاری مؤثر برای فهم سازوکارهای بازدارنده رشد و عدالت در جامعه به شمار می‌آید.

با توجه به گستردگی عناصر انسجامی، تحلیل این بخش بر مؤلفه‌های کلیدی متمرکز است که بیشترین نقش را در شکل‌دهی به گفتمان و انسجام معنایی و زبانی سوره دارند. بررسی شامل عناصر واژگانی با محوریت شمول و تقابل معنایی و همچنین برخی عوامل پیوندی است که پیوندهای مفهومی متن را تقویت می‌کنند، و از تحلیل جامع همه عناصر انسجامی صرف‌نظر شده است.

۴،۲ عامل واژگانی

۴،۲،۱ تکرار^{۱۱}

تکرار یکی از ابزارهای مهم ایجاد انسجام در متن است و زمانی رخ می‌دهد که واژه‌ای بدون تغییر آوایی یا معنایی دوباره به کار رود. تکرار واژگان کلیدی همچنین موجب وضوح بیشتر محتوا و سهولت درک متن می‌شود. (ر.ک؛ عزه شبل، ۲۰۰۹، ص ۱۰۵)

¹¹ reduplication

تکرار واژگان و عبارات است. در تحلیل تکرار در این سوره، تنها عناصری مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نقشی ساختاری و خاص در متن ایفا می‌کنند و تحت‌تأثیر بافت و محور سوره هستند. در این تحلیل، به بررسی عواملی مانند حروف اضافه و حروف ربط پرداخته نشده است. عناصر تکرار در این سوره از این قرار است؛

عناصر اسمی		عناصر فعلی	
ویل	دو بار	کالوهم- اکتالوا	دو بار
کتاب	دو بار	یکذب-یکذبون-تکذبون	سه بار
مرقوم	دو بار	ینظرون	دو بار
سجین	دو بار	آمنوا	دو بار
ارائک	دو بار	انقلبوا	دو بار
کلا	دو بار	یتنافس	یکبار
ختم- مختوم	دو بار	کانوا - کنتم	چهار بار
ابرار	دو بار	قال- یقال- قالوا	سه بار
المقربین	دو بار		
رب	دو بار		
یوم	چهاربار		
کفار	دو بار		
الناس	دو بار		
التنافس	یکبار		
مکذبین	یکبار		
علیون-علیین	دو بار		

در پدیده تکرار، یک کلمه ممکن است در بخش‌های مختلف متن از جمله آغاز، میانه و پایان به کار رود. این توزیع در انسجام و پیوستگی متن اهمیت فراوانی دارد و از پراکندگی عناصر متن جلوگیری می‌کند. استفاده از تکرار به بازآفرینی حافظه و تأکید بر پیوستگی میان بخش‌های مختلف متن کمک می‌کند (تمام حسان، ۱۹۹۳، ص ۱۰۹) یکی از عوامل واژگانی مؤثر در انسجام سوره مطففین،

اسمی ممکن است به دلیل تأکید بر ویژگی‌های ثابت و ذاتی گروه مخاطب در سوره باشد. به‌ویژه آنکه خداوند در این سوره، یازده صفت یا ویژگی برای «مطففین» برمی‌شمارد که نوعی توصیف پایدار از شخصیت و منش آن‌ها به‌دست می‌دهد. این صفات عبارت‌اند از: یَسْتَوْفُونَ، یُخْسِرُونَ، یُکَذِّبُونَ، عدم اعتقاد به روز رستاخیز، افسانه‌پنداری آیات پروردگار، یَکْسِبُونَ، محجوب بودن از پروردگار، یَضْحَكُونَ (آیه ۲۹)، یَتَغَامِرُونَ، فَکَهِینَ، و نسبت‌دادن ضلالت به مؤمنان. این توصیفات، انسجامی معنایی به ساختار سوره می‌بخشند و در خدمت

یافته‌های حاصل از تحلیل آیات سوره مطففین نشان می‌دهد که در این سوره، بسامد تکرار اسامی به‌طور معناداری از افعال بیشتر است؛ به‌گونه‌ای که اسم‌ها ۳۲ بار و افعال ۱۹ بار در متن سوره تکرار شده‌اند.

بسامد بالای عناصر اسمی در ساختارهای مختلف سوره مطففین می‌تواند دلالت‌هایی روان‌شناختی، ادراکی و عاطفی برای خواننده در پی داشته باشد. از منظر زبان‌شناختی، اسم‌ها معمولاً به مفاهیم پایدار و ایستا دلالت دارند، درحالی‌که افعال بیشتر نمایانگر فرایند، حرکت و تغییر هستند. این غلبه

برجسته‌سازی گفتمان هشداردهنده سوره قرار می‌گیرند.

به نظر می‌رسد کاربرد برجسته ساختارهای اسمی در سوره مطففین باهدف برانگیختن واکنش‌های عاطفی و ادراکی مخاطب و برجسته‌سازی انزجار از بی‌عدالتی طراحی شده باشد؛ بی‌عدالتی‌ای که به‌عنوان یکی از صفات پایدار و شاخص مطففین در سوره معرفی شده است. این راهبرد زبانی، نوعی تعامل با مخاطب به شمار می‌آید که هدف آن، تقویت گرایش به رفتار عادلانه از طریق نفی و نکوهش رفتارهای ناعادلانه است. براین‌اساس، می‌توان گفت انتخاب دو واژه «الْفُجَّارِ» و «الْكُفَّارِ» در آغاز و پایان سوره، آن هم با صیغه مبالغه، حاکی از تلاش برای القای شدت و استمرار ویژگی‌های منفی مذکور در شخصیت مطففین است. این بیان تأکیدی نشان می‌دهد که کم‌فروشی و تطفیف، تنها یک کنش موقتی یا گذرا نیست، بلکه صفتی پایدار و نهادینه‌شده در کنشگران اجتماعی است؛ صفتی که از رهگذر تکرار مداوم، پذیرش تدریجی، و تأیید ضمنی توسط فرد و جامعه، به یک هنجار ناپسند اما رایج تبدیل شده است. در نتیجه، نسبت‌دادن صفات «فُجَّار» و «كُفَّار» به اهل تطفیف، محصول همین فرایند تدریجی در تثبیت هویت منفی آن‌ها در گفتمان سوره است.

۴،۲،۲ نقش واژه «سجین» در انسجام سوره

یکی دیگر از تکرارهای منحصربه‌فرد سوره مطففین، واژه «سجین» است که دوبار در این سوره به‌کار رفته است. ریشه این واژه با ساخت‌های گوناگون، ۱۲ مرتبه در متن قرآن تکرار شده است. «سجین»، به معنای زندان و «سجین» مبالغه در آن است. زندان حکایت از تنگنا و حصار است و مبالغه در معنای آن، تنگی و حصار بیشتر از زندان عادی را تداعی می‌کند. این تعبیر به‌خوبی عاقبت دشوار کسانی را توصیف می‌کند که برای دستیابی به آزادی خود، دیگران را تحت فشار قرار داده‌اند، اما در نهایت در زندانی بسیار محدودتر از آنچه تصور می‌کردند، گرفتار خواهند شد. از لحاظ جامعه‌شناختی، کم-

فروشی و کم‌گذاری نه تنها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی به ضرر دیگران است، بلکه از منظر اخلاقی نیز نوعی ستم به دیگران محسوب می‌شود. در این سوره، این هنجار ناپسند اجتماعی به عنوان یک رفتار ناشایست معرفی شده است که به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و سرنوشت ناخوشایند در انتظار این افراد تعیین شده است. در این سوره، واژه «سجین» نمادی از زندان یا حبس معنوی است که رفتار ناعادلانه و کم‌فروشی افراد را ثبت می‌کند و پیامد آن محرومیت از نعمت‌های الهی و عذاب آخرت است؛ بنابراین، حضور واژه «سجین» در این سوره به‌وضوح تأکیدی است بر پیامدهای منفی این رفتار که با بافت و مضمون سوره انسجام دارد.

۴،۲،۳ نقش واژه «کلا» در انسجام سوره

یکی دیگر از واژگان پربسامد در سوره مطففین واژه «کلا» است که در این سوره چهار بار تکرار شده است. واژه «کلا» در ۳۳ آیه از متن قرآن و در ضمن ۱۵ سوره دیگر به‌کار رفته است. این واژه در اصل به‌معنای بازداری و منع است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۱۹) این واژه به‌منظور سرزنش، توبیخ، عقب انداختن (حیوان یا شخص)، جلوگیری سخت و بازداری از (عادات و جرایم) نیز به‌کار می‌رود (آذرتاش آذرنوش، ۱۴۰۰، ص ۲۵۸) جالب اینجاست که این واژه به خاطر انباشته‌شدن مؤلفه معنایی بازداری و منع و جلوگیری در آن، تنها در بافت و فضای سوره‌های مکی استعمال شده است. (سیوطی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۶) در تحلیل معناشناختی این واژه، می‌توان نکته‌ای را بررسی کرد که از آنجا که مخاطبان اصلی آموزه‌های قرآنی در مکه، کافران و ستمگران بودند، این واژه‌ها با مؤلفه معنایی بازدارندگی به کار رفته است تا از فساد، شرک و آیین بت‌پرستی جلوگیری کنند. کاربرد معنایی این واژه در سوره مطففین، در شبکه ساختاری آن، به‌عنوان هشدار جدی و جلوگیری از واکنش مطففین نسبت به باور به عدم زنده شدن و عدم بازخواست در قیامت، افسانه پنداشتن آیات الهی، پیامد زنگار قلب و نهایتاً نادرست بودن رفتار

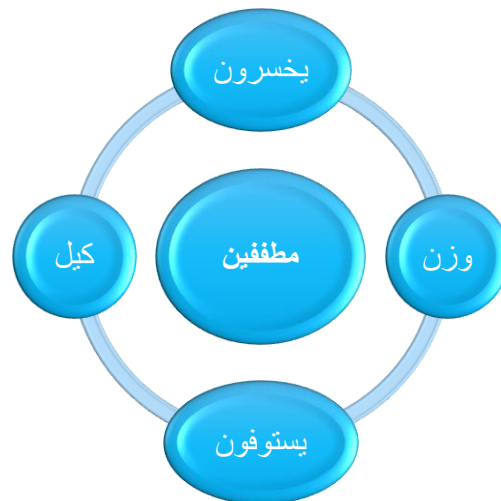
کنند و روابط معنایی بین آنها ر مشخص کنند. افراد از طریق این پدیده زبانی و دسته‌بندی‌ها می‌توانند ارتباط مؤثرتری با متن برقرار کنند.

جالب اینجاست که در این سوره، نام سوره یعنی واژه «مطففین» بهترین نمونه برای شمول معنایی است. کلمه «مطففین» در این سوره شامل واژگان «کیل»، «وزن»، «یستوفون» و «یخسرون» است. تمام این مفاهیم به نوعی با کلمه «مطففین» انسجام خاصی دارند. «کیل»، به معنای پیمان، «وزن» به معنای واحد سنجش و اندازه‌گیری، «یستوفون» به معنای گرفتن حق به‌طور کامل و «یخسرون» به معنای کاهش‌دادن از وزن است این واژگان در حوزه معنایی نظام اقتصادی است که در زیر مجموعه واژه مطففین قرار می‌گیرند. پیوند معنایی بین این واژگان در مفهوم عدالت و انصاف در معاملات و تجارت است. این سوره با استفاده از این مفاهیم، تأکید دارد که در معاملات اقتصادی باید عدالت رعایت شود و از کم‌فروشی و غل‌وغش پرهیز گردد. این مفاهیم نشان‌دهنده اهمیت درستکاری و انصاف در تعاملات اقتصادی هستند و بر ضرورت رعایت حقوق دیگران در تمامی معاملات تأکید می‌کنند.

کم‌فروشان و تأیید عملکرد نیکوکاران عمل می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ ج، ۴، ص ۷۲؛ عبدالکریم خطیب، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۶۹۴) تکرار واژه «کلا» در این سوره نشان‌دهنده همبستگی کامل آن با بافت سوره است. این واژه بیانگر وجود یک مشکل اجتماعی گسترده و فراگیر در زمینه بی‌عدالتی و کم‌فروشی است، به گونه‌ای که هیچ‌گونه تسامح و تساهلی در این زمینه پذیرفته نمی‌شود. همچنین، این تکرار در سوره نشان‌دهنده مبارزه با توجیهات نادرست اجتماعی و اقتصادی است که کم‌فروشان ممکن است برای توجیه عملکرد خود بیاورند. این واژه با توجه به اهداف و محتوای سوره، دارای مؤلفه‌های معنایی تأکید و شدت هشدار، ابطال و مردود ساختن اندیشه‌ها و باورهای نادرست و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی است.

۴/۳ شمول معنایی^۱

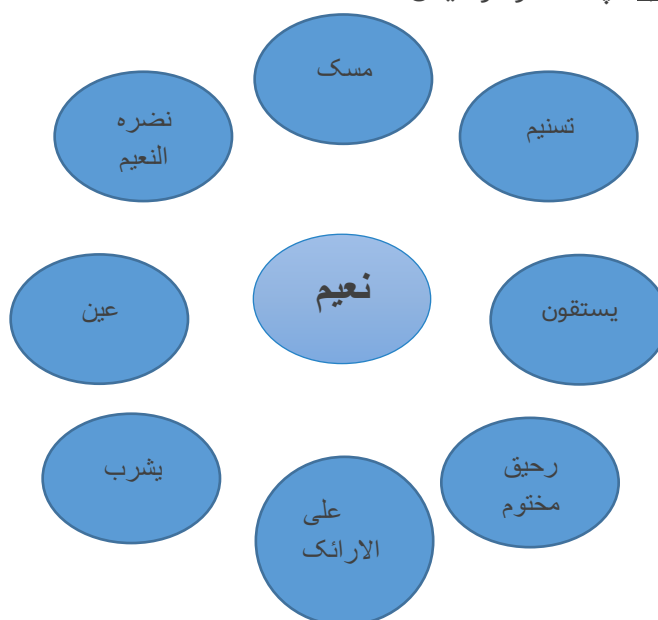
در شمول معنایی، مفهوم یک واژه می‌تواند شامل معانی چند واژه دیگر باشد (پالمر، ۱۶۷۶، ص ۱۲۳) به عبارت دیگر، نامی که پایه مشترکی برای چندین واژه فراهم می‌کند، مشابه واژه «انسان» است که شامل «مرد»، «زن»، «دختر» و «کودک» می‌شود (عبدالمجید جلیل، ۱۹۹۸، ص ۸۳) شمول معنایی به زبان شناسان کمک می‌کند تا واژگان را دسته‌بندی



¹ semantic inclusion

تمام این مفاهیم در شبکه معنایی نعمت‌های بهشتی قرار گرفته که برای روشن‌سازی آیه ۲۲ آمده است. تصویرسازی گفتمان نعمت‌های بهشتی در تقابل گفتمان کنش رفتاری فجّار در جهت تقویت انگیزه و تلاش برای کسب پاداش اخروی و دست برداشتن از هنجار بی‌عدالتی در سطح فرد و جامعه است. شاید به این خاطر است که خداوند در گفتمان تقابلی گروه ابرار و فجّار، رقابت و تلاش برای دریافت پاداش در آخرت را در واژه «تنافس» مفهوم‌سازی نموده است.

یکی دیگر از واژگانی که دارای شمول معنایی است، کلمه نعیم است. این واژه به معنای نعمت گسترده و فراوان است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۷۰) کلمات و تراکیبی مانند نضره النعیم، یسقون، رحيق مختوم، مسک، علی الارثک، تسنیم، عین و یشرّب مفاهیمی هستند که در دایره و شبکه معنایی نعمت قرار می‌گیرند. نضره النعیم به عنوان طراوت و شادابی، یسقون سیراب شدن و نوشاندن، رحیق مختوم زلال سرشته، مسک به عنوان شراب معطر، علی الارثک تخت‌های زیبا، تسنیم به عنوان چشمه-ای رفیع، عین و یشرّب، چشمه و نوشیدن است.



ارتباط معنایی عمیق باعث شده است که این واژه در توصیف رقابت پرشور و پرتلاش به کار رود.

واژه «تنافس» در سوره مطفین، نمادی از تقابل بین رقابت ناعادلانه دنیوی و رقابت عادلانه برای پاداش اخروی است و بر کوشش برای اهداف بلندمدت و رضایت الهی تأکید می‌کند. این دلالت معنایی با محور سوره، یعنی هشدار به کم‌فروشان و تأکید بر عدالت و راست‌گویی، هماهنگی کامل دارد. (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۷۷؛ سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۸۹-۴۹۰).

تنافس از ساخت باب تفاعل از ریشه نفس است. این واژه در زبان عربی از مؤلفه‌هایی معنایی سبقت‌گرفتن از همدیگر، برجسته‌کردن قدرت، رقابت برای رسیدن به شی با ارزش و نفیس تشکیل شده است. (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۶۱؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۴۶۱) با نظر داشت مجموعه معانی فوق، تنافس بازتاب‌دهنده مفاهیم روان‌شناختی عمیقی از قبیل؛ رقابت شدید، تلاش بی‌وقفه و انگیزه‌های درونی برای دستیابی به چیزهای ارزشمند است. این رقابت می‌تواند تا حدی شدید باشد که افراد در آن مانند کسی که در حال دویدن یا تلاش فیزیکی و به شدت در حال نفس‌کشیدن باشد. این

۴٫۴ تقابل معنایی^۱

تقابل معنایی یکی از مفاهیم کلیدی در زبان‌شناسی است که به بررسی تفاوت و تضادهای معنایی بین واژگان یا عبارات می‌پردازد. در زبان‌شناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد نوعی تقابل به‌شمار می‌آید (صفوی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۷) تقابل‌های معنایی در زبان می‌تواند بازتاب دهنده ارزش‌ها و باورهای فرهنگی فرد و جامعه باشد. این پدیده زبانی یکی از ابزارهای اساسی برای ایجاد و تقویت انسجام متنی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به خواننده کمک می‌کند تا به آسانی مفاهیم را دنبال کرده و ارتباط بین گفتارهای مختلف متن را درک کند.

یکی از نمونه‌های تقابل معنایی در سوره مطففین، گفتمان بین فجّار و ابرار است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد این سوره بر محور و گفتمان رفتارهای ناپسند فجّار تمرکز دارد. مسئله اساسی در تقابل گفتمانی این است چه دلالت معناشناختی در این گفتمان وجود دارد که خداوند برای گروه فجّار به توصیف رفتاری آنان از قبیل دروغ‌گویی و تجاوز، افسانه پنداشتن آیات الهی و.... پرداخته؛ ولی برای گروه ابرار به‌جای توصیف رفتار آنان به تصویرسازی نعمت‌های بهشتی و پاداش پرداخته است؟ بدون شک این ساختار و گفتمان دارای دلالت‌های معنایی و روان‌شناختی خاصی است که می‌توان آنها را از چند جنبه تحلیل کرد.

۴٫۴٫۱ هشدار و بیداری‌سازی

توصیف رفتارهای فجّار در این گفتمان نشان می‌دهد که این کنش‌های ناپسند نسبت به مردم و خدا تأثیر عمیقی بر جامعه و فرد به همراه دارد. این توصیف می‌تواند یک هشدار و آگاهی‌بخشی به مخاطبان باشد که این‌گونه رفتارها پیامد ناعدالتی اجتماعی و بی‌اعتنایی به حقوق دیگران را دارد.

استفاده از افعال مضارع در سوره مطففین مانند «يُكْذِبُونَ»، «يُكْذِبُ»، «تُتْلَى» و «يَكْسِبُونَ» نشان

می‌دهد رفتارهای ناشایست فجّار بخشی از زندگی روزمره آن‌ها شده است. این ساختار هشدار، تداوم اهمیت پرهیز از اعمال ناپسند را برجسته می‌کند و به مخاطب کمک می‌کند به‌طور مشخص رفتارهایی را که باید اجتناب کند، درک نماید.

نکته قابل‌ملاحظه دیگر در این گفتمان، تکرار واژه «کذب» است. خداوند این واژه را چهار بار با ساخت‌های گوناگون (مُكْذِبِينَ، يُكْذِبُونَ، يُكْذِبُ، تُكْذِبُونَ) مطرح کرده است. همنشینی واژه «ویل» با «مکذبین» مخاطبان را به جدی بودن پیام و ترس از پیامدهای ناگوار دروغ آگاه می‌کند. تکرار موضوع دروغ در این سوره به‌منظور آگاهی‌بخشی به مخاطبان درباره پیامدهای اجتماعی و اخلاقی دروغ است. دروغ پنداشتن روز جزا به‌عنوان یکی از زمینه‌های بنیادی سایر دروغ‌ها است و سرچشمه بسیاری از دیگر دروغ‌ها و گناهان محسوب می‌شود. به همین خاطر، خداوند در ادامه آیه ۱۱ به صفات این دروغ‌پردازان می‌پردازد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۳، ص ۱۹۷)

۴٫۴٫۲ انگیزه‌بخشی از گذرگاه پاداش

در گفتمان ابرار، خداوند به توصیف نعمت‌های بهشتی به‌جای بیان کردن رفتار آنان می‌پردازد. این سبک گفتمانی و توصیفی، مخاطبانی را که به دنبال انگیزه‌های مثبت و پاداش‌های ملموس هستند را جذب می‌کند. برای بسیاری از افراد، تصویرسازی از نعمت‌های بهشتی جذاب‌تر و انگیزه‌بخش‌تر از توصیف رفتارهای نیک است. اما سؤال اساسی اینجاست که چه دلالت‌های معناشناختی و روان‌شناختی در این گفتمان نهفته است که سبب شده خداوند در این سوره بیشتر به توصیف شراب بهشتی و بشاشیت صورت بپردازد و از مفاهیم عباراتی مانند «وَجُوهِهِمْ»، «نَضْرَةَ النَّعِيمِ»، «يُسْقَوْنَ»، «تَسْنِيْمِ»، «خِتَامُهُ مِسْكٌ»، «عَيْنًا» و «يَشْرَبُ» استفاده کند؟ همچنین، چه پیامدهایی

¹ semantic contrast

با توجه به ملاحظات فوق، می‌توان چنین پاسخ داد که این احتمال وجود دارد که آهنگ سنگین و موسیقی خاص سوره و موقعیت سختی که مسلمانان در هنگام نزول سوره داشتند، باعث شده که خداوند واژگان گفتمان نعمت‌های بهشتی را به‌تناسب این وضعیت‌ها انتخاب و گزینش نماید. این نعمت‌های بهشتی نه‌تنها به‌عنوان پاداش برای رفتارهای نیک مطرح می‌شود، بلکه به‌عنوان تأکیدی بر خلوص و پاکی آخرت در مقابل ناپاکی و ستم در دنیا نیز هستند. به‌نظر می‌رسد در مقابل هنجار منفی کم‌فروشی و بی‌عدالتی و ناپاکی در دنیا، وعده به نوشیدنی خالص و بی‌عیب در آخرت می‌تواند تأکیدی بر عدالت و پاداش خالص باشد. در شرایطی که مسلمانان مکه در سختی‌های مادی و فشار اقتصادی مواجه شدند، وعده به چنین نعمت‌های خالص و عالی در آخرت می‌تواند یادآور آرامش و فراوانی در برابر کمبودها و سختی‌های دنیوی باشد. استفاده از واژگان سنگین مانند «رحیق»، «مختوم»، «علیین»، «تسنیم» و «تنافس» می‌تواند به ایجاد ریتم و موسیقی قوی در سوره کمک کند. بنابراین انتخاب این واژگان در سوره نه تنها به تناسب بافت سوره است؛ بلکه به‌تناسب موقعیت نزول و نیازهای روانی و معنوی مخاطبان آن زمان انجام شده است.

۴/۵ عوامل پیوندی

۴/۵/۱ عناصر پرسشی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیوندی در گفتمان قرآن، ساختارهای پرسشی‌اند. این ساختارها نه‌تنها در طرح سؤالات مفهومی و محتوایی نقش دارند، بلکه در انسجام‌بخشی به متن و ایجاد پیوندهای معنایی و منطقی میان اجزای گفتمان نیز مؤثرند. از منظر تحلیل گفتمان، طرح سؤال در یک متن معمولاً برخاسته از دغدغه‌های محوری گفتمان است و نشان‌دهنده آن است که گوینده یا نویسنده، مخاطب را به مشارکت ذهنی در محور معنایی متن فرا می‌خواند. (ر.ک؛ 3) (Abioye, 2009: 311; Janoschka, 2004: 131)

در سوره رخ داده است که خداوند از این اسلوب برای تصویرسازی نعمت‌های بهشتی بهره گرفته است؟

به نظر نگارنده، کاربردی‌ترین روش برای پاسخ به این سؤال، رجوع به بافت، موسیقی و آهنگ سوره است. آهنگ و موسیقی نه‌تنها بر نحوه تلاوت آن تأثیر می‌گذارند، بلکه در انتخاب و چینش واژگان نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند. این انتخاب‌ها به‌گونه‌ای است که انسجام کلی متن را حفظ می‌کنند.

سوره مطفین از لحاظ زبانی و آهنگین دارای ساختاری بسیار قوی و محکم است و خداوند به‌گونه‌ای واژگان سوره را انتخاب کرده که هم از نظر معنایی و هم از نظر موسیقایی با فضای کلی سوره هماهنگ باشد. بازتاب و انعکاس این آهنگ و موسیقی مستحکم در فرایندهایی چون تکرار «ویل» و «کلا» که نشان‌دهنده تهدید و هشدار است، وصف عظیم‌بودن روز قیامت، تشدیددار بودن واژگانی از قبیل «مطفیین»، «تکذیب»، «سجین»، «علیون»، زنگار بودن قلب در واژه «ران»، محروم و بی‌بهره بودن از رحمت پروردگار در واژه «محبوبون»، نعمت گسترده در واژه «نعیم»، نهایت خرمی و شادابی صورت در ترکیب «نضره النعیم»، شرابی خالص، ناب و بی‌غش در واژه «رحیق»، وصف سربسته بودن و مهر شده شراب با مسک در واژه و ترکیب «مختوم» و «ختامه مسک»، شدت تلاش برای وصول به شی بارزش در فعل «تنافس» و چشمه‌ای در جایگاه رفیع در بهشت در واژه «تسنیم» در سوره مطفین منعکس شده است. (ر.ک؛ محمد شیخ، ۲۰۲۲، ص ۲۸۴-۲۹۰)

تکرار زیاد حرف الف مدی (ون-ین) در ۳۶ آیه این سوره آن هم در قسمت پایانی آیات (فاصله) علاوه بر آهنگین نمودن سوره و ارتباط عناصر متن به یکدیگر سبب القای معنا که همان رستاخیز و فضای سنگین و در حال فشار آن و درعین‌حال گذر کند زمان است، می‌شود. چون این حروف همان صحنه قیامت را که برای افراد بسیار سخت و طاقت‌فرسا است، به تصویر می‌کشد (نبوی، ۱۴۰۲، ص ۱۰)

اهمیت باور به روز حسابرسی در قیامت، مسئولیت-پذیری در برابر رفتار فردی و اجتماعی و توجه به عدالت الهی جذب می‌کند. این آیه با ایجاد ترس سالم از عقوبت، تقویت وجدان اخلاقی، تشویق به اندیشیدن و افزایش احساس مسئولیت، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار و روان نابهنجاران داشته و آنان را به سمت اصلاح و بهبود رفتارهای خود سوق می‌دهد.

۴،۵،۲،۱ ترکیب «مَا أَدْرَاكَ»

این ترکیب در گفتمان فجّار در واژه «سجین» و در گفتمان ابرار در واژه «علیون»، طبق آیات ۸ و ۱۹ سوره مطفین، بیان شده است. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ»، «وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ» این عبارت از دو بخش تشکیل شده است: «ما» (چه) و «ادراک» (به تو فهماند). این ترکیب به صورت یک پرسش معناشناختی بر اهمیت و عظمت پدیده‌ای که مورد بحث قرار دارد، تأکید می‌کند که شاید درک آن برای انسان‌ها دشوار باشد. در شبکه «ما ادراک» در قرآن، مؤلفه‌های معنایی مانند «آگاه کردن»، «دانا کردن»، «مطلع کردن» و «فهماندن» در ترجمه‌های فارسی به خوبی نمایان است (فولادوند، ۱۳۹۰، ص ۸۸۸؛ رضایی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۸).

تحلیل روان‌شناختی این ترکیب، خواننده را به درک عمیق‌تری از تفاوت بین این دو گروه هدایت می‌کند. این عبارت به نوعی سبب ایجاد الگوی هشیاری می‌شود و مخاطب را به آگاهی از پیامدهای نهایی رفتارهای خود دعوت می‌کند. این آگاهی-بخشی‌ها مخاطب را برمی‌انگیزد که با زاویه دید وسیع‌تری به رفتار و رویکرد خود بنگرد و به نتایج بلندمدت آنها توجه کند. (ر.ک؛ Bohlmeijer, E., ۲۰۱۰، Prenger, R., Taal, E. & Cuijpers ۵۴۴-۵۳۹، Shapiro, S.L. D. Oman, C.E. Thorese ۸۴۰-۸۶۲، ۲۰۰۸).

یکی از دلالت‌های معناشناختی گفتمانی این ترکیب در ایجاد تقابل معنایی بین فجّار و ابرار، تأکید بر برجسته ساختن برآیندهای متفاوت پاداش است که برای فجّار و کم‌فروشان، مکان بسیار تنگ و برای

در این زمینه، استفهام نه صرفاً ابزاری زبانی بلکه عنصری کارکردی در نظام گفتمان محسوب می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت گفتاری، جهت‌گیری معنا و تأکید بر برخی مؤلفه‌های محتوایی متن است. کاربست ادات استفهام در قرآن کریم - به‌ویژه در سوره‌هایی مانند مطفین - اغلب در راستای برجسته‌سازی مفاهیم محوری سوره و القای جهت‌گیری خاص معنایی به مخاطب صورت می‌گیرد. از این رو، ساختارهای پرسشی در قرآن نه تنها ابزار تبیین مفاهیم، بلکه نقش مهمی در هدایت ذهنی مخاطب، تقویت پیوستگی معنایی و برجسته‌سازی جهت‌گیری گفتمان دارند. یکی از ابزارهای پیوندی در سوره مطفین، به‌کارگیری عناصر پرسشی ذیل واژه «أَلَا» در آیه ۴، ترکیب «وَمَا أَدْرَاكَ» در آیات ۸ و ۱۹ و حرف «هَلْ» در آیه پایانی سوره است. این ابزارهای زبانی به طور قابل‌توجهی در تقویت ارتباط با مخاطب و تأثیرگذاری بر او نقش دارد. به‌کارگرفتن این عناصر به‌ویژه در قرآن کریم، دارای دلالت‌های معناشناختی و روان‌شناختی گوناگون و ظریفی است که به متن، انسجام و پویایی می‌بخشد و تأثیرات ویژه‌ای در دیالوگ و گفتمان یک متن به همراه دارد.

۴،۵،۲ حرف «أَلَا» در آیه ۴

خداوند در آیه ۴ سوره مطفین این چنین می‌فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ»، از لحاظ زبان‌شناختی واژه «أَلَا» به‌عنوان ابزار زبانی متشکل از همزه استفهام استنکاری و لای نفی است. عنصر «أُولَئِكَ» به کم فروشان و مطفین برمی‌گردد (محی‌الدین درویش، ۱۴۲۵، ج ۱۰، ص ۴۱۰) این آیه کلیدی سوره، محور و کانون سوره را شکل می‌دهد و با تقویت پیام اصلی، انسجام معناشناختی متن را حفظ می‌کند. چنین آیات کلیدی با ایجاد هماهنگی میان مفاهیم و برجسته‌سازی نکات اخلاقی و تربیتی، فهم جامع‌تر محور و بافت سوره را برای مخاطب ممکن می‌سازند.

این آیه با دلالت‌های معناشناختی و روان‌شناختی خود، مخاطب کم‌فروش و مطفّف را به

است (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۵، ص ۳۳۰) آیه پایانی سوره مطففین با تأکید بر جزای کافران و اهمیت عدالت، انسجام معنایی سوره را کامل می‌کند و پیام هشدار به کم‌فروشان و مجرمان را تقویت می‌نماید، در حالی که تکرار واژه عدالت بر دلالت‌های معناشناختی کل سوره تأکید دارد. واژه «هل» در سوره مطففین برای جلب توجه، تأکید بر محور سوره و ایجاد پیوستگی معنایی به‌کار رفته است. طرح پرسشی پایان سوره مخاطب را به تأمل و بازنگری در باورها و رفتارهای خود فرا می‌خواند و از این طریق، اثر پیام الهی را بر نگرش و عملکرد او تقویت می‌کند

همان‌طور که اشاره شد، سوره با ساختاری منسجم از هشدار آغاز و با بیان فرجام رفتار کافران پایان می‌یابد؛ بدین‌سان، پیوستگی معنایی آن بر نظارت الهی و جزای اعمال تأکید دارد. این نظم درونی، انسجام گفتمان سوره را تقویت کرده و مخاطب را به تأمل در عدالت الهی و روز حساب سوق می‌دهد و در نهایت، او را به درک شبکه‌ای و جامع‌تر از مفاهیم قرآنی رهنمون می‌سازد.

ابزار مکان والا و برتر تعیین شده است. این پدیده جهتی و تصور بسیار پایین و بالا آن‌قدر شدید و مهم است که می‌تواند احساس تسلیم و آگاهی از محدودیت‌های انسانی را تقویت نماید و مخاطب را به‌سوی رفتارهای نیک و پرهیز از ناعدالتی اجتماعی سوق می‌دهد.

۴،۵،۲،۲ حرف «هل» در آیه ۳۶

واژه «هل» در زبان عربی یکی از عناصر پرسشی است. این واژه گاهی از دلالت اصلی خود یعنی پرسش خارج شده و به معانی دستوری، آرزوکردن، ترغیب نمودن، سرزنش‌کردن و ترس‌افزایی نیز استفاده می‌شود (سامرای، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۴۰) واژه «هل» به‌طورکلی ۶۴ مرتبه در ارتباط با مفاهیم گوناگون دینی در متن قرآن به‌کاررفته است.

در پایان سوره مطففین، خداوند به این شکل فرجام کم‌فروشان و کفار را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: «هَلْ تُؤْبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»، آنچه از ظاهر آیه می‌توان دریافت این است که سؤال استفهامی «هل» به‌منظور تأکید بر عدالت الهی و تحقق آنچه به کفار وعده‌داده‌شده است به‌کار رفته

عوامل پیوندی (پرسشی)



به‌صورت یک کل منسجم و هدفمند شکل داده است.

۲- این سوره با اشاره به رفتارهای ستمگرانه فجار در نادیده‌گرفتن حقوق‌مادی و معنوی دیگران آغاز می‌شود و سپس ریشه این هنجارهای اجتماعی را در عدم باور به زندگی پس از مرگ و به ویژه روز حسابرسی جستجو می‌کند.

۵ نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل انسجام متنی سوره مطففین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که:

۱- یافته‌ها نشان می‌دهد سوره مطففین انسجام درون‌متنی و ساختاری بالایی دارد و پیوند دقیق عناصر زبانی، معنایی و گفتمانی آن، ساختار سوره را

پیوستگی متن کمک کرده و معنا را در سوره به‌طور موثرتر انتقال می‌دهند. این نشانه‌های زبانی در سوره به جهت تقویت ارتباط با مخاطب و تأثیرگذاری بر او نقش دارد. این پرسش‌ها با تولید فضای برای تفکر و بررسی دوباره اندیشه‌ها و هنجارها، می‌توانند به تغییر رفتار و نگرش‌ها منجر شوند.

۶- از دلالت‌های روان‌شناختی عنصر تقابل معنایی در سوره مطففین، هشدار، بیداری‌سازی و انگیزه‌بخشی از طریق پاداش است. این دلالت‌ها در حقیقت منعکس‌کننده ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی فرد و جامعه باشد و در انسجام متنی سوره نقش ساختاری داشته است.

۳- جهت نمایان ساختن کاربست نظریه انسجام، از میان عناصر گوناگون انسجام، تنها به سه عنصر تکرار، شمول معنایی، تقابل معانی و عوامل پیوندی در تحلیل سوره بسنده شده است چرا که این عناصر نقش پایه‌ای و بنیادی در تصویرسازی انسجام ایفا می‌کنند.

۴- عنصر تکرار، با بیشترین بسامد در ساخت اسمی ۳۲ بار و در ساخت فعلی ۱۹ بار، نقش بسیار مهمی در انسجام بخشی سوره دارد.

۵- نشانه‌های استفهامی «أَلَا»، «مَا أَدْرَاکَ» و «هَلْ» نقش بنیادی در نمایان‌سازی عوامل پیوندی در سوره مطففین ایفا می‌کنند. این نشانه‌های پرسشی با ایجاد ارتباط‌های مفهومی، به تقویت

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۶)، ترجمه: محمد مهدی فولادوند و رضایی. تهران، دارالقرآن الکریم.
- (۱) ابن سیده. أبو الحسن علی. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۲) ابن عاشور. محمد (۱۹۸۴ق). التحرير و التنوير، تونس: دار التونسية.
- (۳) ابن عباد. اسماعیل به عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب.
- (۴) ابن فارس. احمد. (۱۳۹۹ش). معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
- (۵) ابن کثیر. أبو الفداء إسماعیل. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- (۶) ابن منظور. محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- (۷) ابن هشام. عبدالملک. (۱۹۹۵ق). السيرة النبوية، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر.
- (۸) امرایی. محمد حسن. (۱۳۹۶ش). «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره‌علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هلیدی وحسن»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، ش ۱۶. صص ۱۱۹-۱۴۸.
- (۹) آذرتاش. آذرنوش. (۱۴۰۰ش). فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی.
- (۱۰) بهرام‌پور. شعبانعلی. (۱۳۷۹ش). درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- (۱۱) پالمر. فرانک رابرت. (۱۹۷۶م). نگاهی تازه به معنی‌شناسی، مترجم: کورش صفوی، (۱۴۰۰ش)، تهران: نشر نو.
- (۱۲) حسان. تمام. (۱۹۹۳ق). البیان فی روائع القرآن دراسة لغوية و أسلوبية للنص القرآنی، قاهره: عالم الکتاب.
- (۱۳) حسینی همدانی، سید محمد. (۱۳۸۰ش). انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.
- (۱۴) خطیب. عبدالکریم یونس. (بی‌تا). التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره: دارالفکر العربی.
- (۱۵) دادگر. حسن و غلامعلی معصومی‌نیا. (۱۳۸۷ش)، فساد مالی، تهران: کانون اندیشه جوان.
- (۱۶) دروزه. محمد عزت. (۱۳۸۳ق). التفسیر الحديث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- (۱۷) راغب اصفهانی. ابوالقاسم الحسین بن محمد. (۱۳۷۸ش). المفردات فی غریب القرآن، تهران: ناشر صادق.
- (۱۸) زمخشری. محمود بن عمرو. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- (۱۹) السامرائی. فاضل صالح. (۱۴۲۰ق)، معانی النحو. اردن: دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع
- (۲۰) سیوطی. عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۳۹۴ق). الإیتقان فی علوم القرآن، قاهره: هیئة المصریة العامة.
- (۲۱) قطب، سید، (۱۴۰۸ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- (۲۲) شعیری. حمیدرضا. (۱۳۸۵ش). تجزیه و تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان، تهران: انتشارات سمت.

- (۲۳) صلابی، علی محمد. (۱۴۲۹ق). السیره النبویه عرض وقایع و تحلیل احداث، بیروت، دار المعرفه.
- (۲۴) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۷ش)، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفه.
- (۲۵) طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: دار نهضة.
- (۲۶) عبدالله زاده. رحمت و همکاران. (۱۳۹۶ش)، نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی، فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد بانکداری اسلامی، شماره ۲۱، صص ۶۵-۹۰.
- (۲۷) عبدالمجید. جلیل. (۱۹۹۸ق). البدیع بین البلاغه العربیه و اللسانیات النصیه، قاهره: الهیئه المصریه.
- (۲۸) عزه شبل. محمد. (۲۰۰۹م). علم لغة النص النظرية و التطبيق، قاهره: مكتبة الآداب.
- (۲۹) فراهیدی. خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، ج ۷، القاهرة: مكتبة الهلال.
- (۳۰) فیروزآبادی. مجد الدین. (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- (۳۱) قفی. صبحی ابراهیم. (۲۰۰۰م). علم اللغة النصی بین النظریه و التطبيق؛ دراسه تطبیقیه علی السور المکیه، قاهره: دار قباء.
- (۳۲) کوشکی، علی دودمان، (۱۳۹۸ش)، «خوانشی جدید از سوره مطفین با تأکید بر نظریه تحلیل گفتمان»، دانشگاه، پیام‌نور استان قزوین، پنجمین همایش ملی زبان، ادبیات و گفتمان صلح.
- (۳۳) لطفی‌پور ساعدی. کاظم. (۱۳۷۱ش). درآمدی به اصول و ترجمه قرآن، تهران: مرکز نشر.
- (۳۴) محمد شیخ. (۲۰۲۲م). دلالة الأصوات فی سوره المطفین (دراسه احصائیة- دلایه)، مجلد ۱، عدد ۶۶، مجلة الكلية الاسلامية الجامعة، صص ۳۷۸-۳۹۱.
- (۳۵) مصطفی درویش. محیی الدین. (۱۴۲۵ق). اعراب القرآن و بیان، بیروت: دار ابن کثیر.
- (۳۶) مصلوح. سعد. (۱۹۹۰م). من نحو الجملة الى النص، کویت: نجم عبدو بدوی.
- (۳۷) مکارم شیرازی. ناصر. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- (۳۸) ملاحویش. عبدالقادر بن ملّا. (۱۳۸۲ق). بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.
- (۳۹) مهاجر. مهران. (۱۳۷۶ش). به سوی زبان-شناسی شعر، تهران: آگه.
- (۴۰) نبوی. سید مجید و همکاران (۱۴۰۲ش). «بررسی سبک‌شناسی سوره مطفین بر اساس سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی». دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت: فصلنامه علمی مطالعات قرآنی، ش ۵۴، صص ۱-۱۸.
- (۴۱) الهرری الشافعی. محمد الأمين. (۱۴۲۱ق). تفسیر حدائق الروح والریحان فی روابی علوم القرآن، بیروت: دار طوق النجاة.
- (۴۲) یاحقی. محمدجعفر و محمدهادی فلاحی. (۱۳۸۹ش). انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی بررسی و مقایسه ده غزل، سعدی و ده غزل بیدل، مجله ادب و زبان، ش ۲۷، صص ۳۲۷-۳۴۶.

Halliday, M.A.K.& R.Hassan,(1976) Cohesion in English, London: Longman .

Shapiro, S.L. D. Oman, C.E. Thoresen, T.G. Plante & T. Flinders (2008).

"Cultivating Mindfulness: Effects on Well-being". Journal of Clinical Psychology, 64(7): 840-862.

Bohlmeijer, E. Prenger, R., Taal, E. & Cuijpers, P (2012)," The effects of mindfulness-based stress reductiontherapy on mental health of

adults with a chronic medical disease: A meta-analysis", J Psychosom Res, (68), 539-544